

ابراهیم امینی

چه بسیار اتفاق می‌افتد که بچه ام‌والدیگران دست‌درازی می‌کند. غذا و میوه یا اسباب‌بازی کودک دیگری را به زور می‌گیرد، یا مخفیانه سرقت می‌کند. از جیب پدر یا کیف مادر مخفیانه پول برمی‌دارد. به خوردنیهایی که مادرش مخفی کرده دست‌برد می‌زند.



از مغازه و

فروشگاه مخفیانه چیزی برمی‌دارد. خودکارس و مداد و پاک‌کن و دفتر خواهر و برادر یا همکلاسیش را برمی‌دارد. اکثر بچه‌ها در دوران بچگی کم یا بیش از این حوادث دارند. شاید کمتر شخصی پیدا شود که در ایام کودکی اصلاً این حوادث برایش

دزدی کودکان

به نظرش جالب آمد می خواهد آن را بردارد. در چنین مرحله‌ای توییح و سرزنش و حتی کتک فایده ندارد. بهترین روشی که پدر و مادر در این مرحله می توانند انتخاب کنند اینست که عملاً جلو بچه را بگیرند. اگر می خواهد به زور چیزی را از بچه دیگری بگیرد نگذارند و اگر گرفت از دستش بگیرند و به صاحبش برگردانند. چیزی را که می خواهند بردارد در دسترس قرار ندهند. برای جلوگیری از کودکان کم رشد یک قفل و کلید از هر نوع موعظه و مجازاتی موثر تر میباشد.

غالب بچه‌ها وقتی به حد رشد و تمیز رسیدند و حد و حدود مالکیت را خوب شناختند به اموال دیگران دست درازی و سرقت نمی کنند. اما بعضی از آنها در آن سن هم گاه گاهی آن کار خلاف را مرتکب می شوند. البته پدر و مادر در این صورت میتوانند ساکت و بی تفاوت بمانند. این درست نیست که پدر و مادر چپاولها و سرقتهای فرزند خویش را ببینند و در صدد علاج برنایند، و بهانه بیاورند که هنوز بچه است، عقلش نمی رسد وقتی بزرگ شد دیگر سرقت و چپاول نخواهد کرد. البته این احتمال هست که وقتی بزرگ شد دست از سرقت بردارد اما این احتمال هم بسیار قوی است که با این سرقتهای کوچک تدریجاً به سرقت عادت کند و یک سارق و غاصب از آب درآید. علاوه بر این، خود این مطلب درست نیست که اموال بچه‌های دیگر یا پدر و مادر مورد دستبرد بچه قرار گیرد و کسی حرفی نزند. از این بدتر کار پدر و مادری است که نه تنها فرزند خویش را از این کار زشت نهی نمی کنند بلکه از آن دفاع و جانبداری می کنند. اگر کسی از او شکایت کرده که اموالش را سرقت نموده است سرو صدا و داد و قال راه می اندازند که چرا اصلاً چنین نسبتی را به فرزند ما می دهی.

پیش آمد نکند. بعضی از پدران و مادران از مشاهده این حوادث شدیداً ناراحت میشوند و از آینده تاریک فرزند خویش اظهار تاسف می نمایند. از آن بیمناکند که فرزندشان در آینده یک غاصب یا سارق از آب درآید. بدین جهت خود را می بازند و جزع و فزع راه می اندازند. قبل از هر چیز باید به این پدران و مادران یادآور شویم که خیلی ناراحت نباشید و داد و قال راه نیندازید، زیرا صرف این غصبها و دزدیهای کم و کوچک دلیل آن نیست که فرزند شما در آینده یک فرد شریر و غاصب و دزد خواهد شد. زیرا کودک هنوز به آن مرحله از رشد و تمیز نرسیده که مالکیت را کاملاً درک کند و بین مالکیت خودش و دیگران کاملاً فرق بگذارد. احساسات کودک به مراتب بیشتر و قوی تر از تعلقات اوست. به مجرد اینکه چیزی به نظرش جالب آمد تحریک میشود و بدون اینکه عاقبتش را بسجد در صدد به دست آوردنش بر می آید. کودک ذاتاً "شریر" نیست و این خطاهای کوچک از باطن ذاتش سرچشمه نگرفته است، اینها پدیده‌هایی است عارضی. وقتی بزرگتر شد دیگر مرتکب آنها نخواهد شد. چه بسیاری از افراد پرهیزکار و امین و درستکاری که در ایام کودکی از این خطاهای کوچک داشته‌اند. البته نمی‌خواهم بگویم که از دیدن این خطاها عکس العملی نشان ندهید و بی تفاوت محض باشید بلکه می‌گویم: به مجرد دیدن آنها کودک را شریر و غیر قابل اصلاح نپندارید و داد و قال راه نیندازید بلکه با صبر و بردباری در صدد علاج برآیید.

مخصوصاً "کودک دوسه ساله بین مال خودش و مال دیگران چندان فرقی نمی‌گذارد و حدود ملکیت را خوب نمیشناسد. دستش به هر چیزی رسید می‌خواهد آن را تصاحب کند. هر چیزی

را برطرف سازند ممکن است به همکلاسیهایش دستبرد بزند یا از جیب پدر و مادرش سرقت نماید. اگر برای بازی به توپ نیازمند است ولی پدر و مادر نمی‌دهند ممکن است توپ بچه‌های دیگر را به‌زور بگیرد یا از کاسب سر محل دزدی کند. پدر و مادر باید حتی المقدور نیازمندیهای واقعی بچه را برطرف سازند و در صورت عدم امکان با او تفاهم نمایند و راه چاره را در اختیارش بگذارند. مثلا می‌توانند بگویند: پول نداریم برایت مداد رنگی بخریم. می‌توانی از فلان مغازه نسبه‌کنی بعداً" می‌پردازیم و می‌توانی امروز از دوستت عاریه بگیری. محدودیتهای شدید میتواند یکی از عوامل دزدی باشد. یکی از چیزهاییکه ممکن است فکر سرقت را به مغز بچه وارد کند سختگیریها و کنترلها و در در بسته‌های شدید است. وقتی مادر خوردنیها را در جعبه و کمد می‌گذارد و درب آنرا محکم قفل می‌کند و

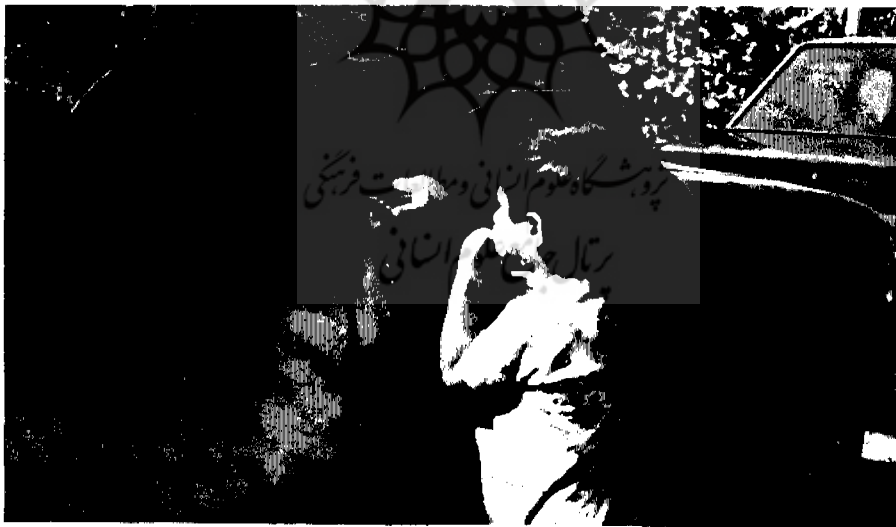
این قبیل پدران و مادران نادان با رفتار خویش فرزندانشان را به دزدی و چپاول اموال دیگران تشویق خواهند نمود، و عملا به آنها یاد می‌دهند که دزدی کنند و انکار نمایند و برای تبری خود داد و فریاد راه بیندازند.

بنابر این، پدران و مادران نباید در قبـال خلافتکاریهای فرزندانشان بی تفاوت و لاابالی باشند بلکه باید کوشش کنند که جلو آنها را بگیرند مبادا آن کار زشت در باطن ذاتشان ریشه کند و به صورت عادت در آید.

زیرا اگر عادت کرد ترک کردن آن بسیار دشوار است.

علی علیه السلام فرمود: ترک عادت دشوارترین کارهاست. (۱)

پدر و مادر در مرحله نخست باید سعی کنند عواملی را که ممکن است باعث چپاول و سرقتهای



کودک را پنهان می‌سازد بچه به فکر می‌افتد که هر طور شده کلید را پیدا کند و در موقع مناسب به آنها دستبرد بزند. مخصوصاً " در صورتیکه خودشان بخورند و به بچه‌ها ندهند. وقتی پدر

کودک شوند برطرف سازند تا این عمل ناروا اصلا پیش آمد نکند.

اگر بچه نیازمند به مداد یا مداد پاک‌کن یا دفتر یا خودکار باشد و پدر و مادر نیازمندیهایش

نمی‌توان جلو دزدی را گرفت و کودک را براه راست و ادا کرد. بدین وسیله بی‌حیاط‌تر و بی‌روتر می‌شود. ممکن است در اثر تحقیر و توهین لجبازی کند و به دزدیهای خویش ادامه دهد. تنبیه‌های شدید و کتک هم غالباً نمی‌تواند جلو دزدی را بگیرد. بچه‌ای که کتک خورده و زجر کشیده عفته دار می‌شود. ممکن است از ترس کتک به‌طور موقت دزدی را ترک نماید، ولی امکان دارد که در آینده برای انتقام گرفتن وحل عقده‌های خویش، به دزدیهای بزرگتر اقدام کند.

بهترین روشی که پدر و مادر می‌توانند انتخاب کنند اینست که با ملایمت و زبان خوش با بچه حرف بزنند، زشتی دزدی را برایش بیان کنند اصل مالکیت را برایش توضیح دهند، بگویند: فلان چیز که برداشته‌ای مال توست، مال فلان شخص است، فوراً به صاحبش رد کن اگر کسی مال ترا بردارد آیا ناراحت نمی‌شوی؟ دیگران هم مانند تو هستند اگر مالشان را برداری ناراحت می‌شوند. به هر طور شده او را وادار کنند که مال مردم را بآنها برگرداند. خودشان هم میتوانند آن مال را بگیرند و به صاحبش برگردانند. سپس سفارش کنند که دیگر مرتکب این عمل نشود. و اگر آن مال را تلف کرده پول یا عوض آنرا از خودشان بدهند که به صاحبش رد کنند. میتوانند همان مقدار را از پول روزانه یا هفتگی او کسر نمایند. و میتوانند به مقدار همان پول کاری برایش تعیین کنند که انجام دهد، مزدش را بگیرد و در راه جریمه به مصرف برساند. و اگر از این طریق هم نتیجه نگرفتند ناچارند با تهدید و حتی در مواقع بسیار ضروری با کتک جلو دزدیهای بچه را بگیرند.

و مادر پولهایشان را در هفت سوراخ مخفی می‌سازند ممکن است کودک تحریک شود و آنقدر جستجو کند تا آنها را پیدا نماید. بهتر است پدر و مادر در صورت امکان در و در بست کاملی نداشته باشند و با فرزندان خویش یک رنگ باشند و با آنان تفاهم نمایند. و به آنها بفهمانند که زندگی حساب دارد، خوردنیها را در وقت معین باید صرف کرد و پولها برای تامین حوائج زندگی است باید آنها را از روی حساب خرج کرد.

کودکان را به تماشای فیلم‌های پلیسی که طریق قتل و سرقت را نشان می‌دهند نبرید. و اجازه ندهید که این قبیل داستانها را از رادیو بشنوند یا در کتابها بخوانند.

بسیار اتفاق افتاده که کودکان بزهکار که دست به سرقت زده‌اند در دادگاه گفته‌اند که این عمل را در سینما یا تلویزیون تماشا کردیم بعداً آنها بکار بستیم.

و از همه مهمتر اینکه پدر و مادر و سایر اعضاء خانواده سعی کنند نامحیط خانه آنها محیط امانت و درستکاری باشد. مالکیت افراد را محترم بشمارند و به حریم آن تجاوز ننمایند. مادر بدون اجازه از جیب پدر پول بردارد. و بدون اطلاع در اموالش تصرف بیجان کند. پدر نیز بدون اجازه مادر سرکمد و چمدانش نرود و در اموال اختصاصی او تصرف ننماید، پدر و مادر مالکیت کودکان را محترم بشمارند و بدون اجازه آنها سرکمد و چمدان مخصوصشان نروند و در اسباب بازیهایشان تصرف نکنند.

در برابر دستبردهای کوچک آبروی بچه را نیز بد و به او توهین نکنید. نگویید: ای دزد! ای خیانتکار! تو عاقبت دزد می‌شوی و جای ت زندان است. با این خطابه‌های توهین‌آمیز